

## روند تاریخی مواجهه نهاد روحانیت با تغییر جایگاه اجتماعی زنان در عصر پهلوی دوم

کمال رضوی<sup>۱</sup>/احمد شکرچی<sup>۲</sup>/مصطفی اجتهادی<sup>۳</sup>

### چکیده

با ورود جامعه ایران به دوران جدید و درهم آمیختن و چالش همزمان سنت شیعی ایرانی جاری در جامعه با فرهنگ و اندیشه‌های مدرن، برخی از مسائل به محوری برای مواجهه و صف‌آرایی نیروهای اجتماعی بدل شد که تغییر جایگاه اجتماعی زنان یکی از این موضوعات بود. در مقاله پیش‌رو با استفاده از روش بررسی توصیفی و براساس منابع اسنادی و کتابخانه‌ای مواجهه نهاد روحانیت شیعی با مسائل زنان در دوره حکومت پهلوی دوم واکاوی تاریخی و سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که در مواجهه روحانیت با تغییر جایگاه اجتماعی زنان، مهم‌ترین حوزه‌های تنش و قلمرو، نحوه بروز، سطح و دامنه این تنش‌ها به چه ترتیب بود و چه پیامدهایی بر روابط سیاسی روحانیت و حکومت پهلوی داشت؟ در این سه و نیم دهه، در امور مختلف نظیر مسائل حقوقی زنان، مشارکت سیاسی و تصدی مسئولیت‌های سیاسی توسط زنان، حضور زنان در میادین اجتماعی، مناسبات زن و مرد در خانواده، اشتغال و تحصیل، کنترل بدن و پوشش و... شاهد موضع‌گیری روحانیت هستیم. بررسی این مقاله نشان می‌دهد در برهه زمانی ۱۳۲۶-۱۳۳۰، با عنایت به مجموع ویژگی‌های درونی نهاد روحانیت و مناسبات حاکم بر قدرت، نوعی آرامش نسبی بر روابط روحانیت، جامعه و حکومت در خصوص مسائل زنان حاکم است. اما در دهه چهل تا پیروزی انقلاب شاهد سربل‌آوردن تنش‌های متعدد در این باب هستیم که اغلب با اعمال اقتدار بالا به پایین توسط حکومت، منجر به عدم تحقق خواست روحانیت می‌شود. حداقل در سه مسئله که محل مناقشه و نزاع نهاد روحانیت و حکومت در سطوح گسترده بوده است (حق رأی زنان، کنترل بدن و پوشش زنان، و قانون حمایت از خانواده)، در نهایت حکومت با تحمیل سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی خود، روحانیت را به حاشیه می‌راند که همین امر از عوامل محرک روحانیت برای مشروعیت‌زدایی از حکومت پهلوی و تحریک و بسیج سیاسی برای مقابله با این حکومت است. تحول سازمان درونی روحانیت در گذر از دوره اول به دوره دوم مورد بررسی در این پژوهش، از دیگر عوامل پیش‌ران در برهم خوردن توازن میان حکومت و نهاد روحانیت و تضعیف توان روحانیت در اعمال راهبرد فرهنگی و اجتماعی خود بر جامعه و حکومت است. واژگان کلیدی: تغییر جایگاه اجتماعی زنان، نهاد روحانیت، نزاع روحانیت و حکومت، حکومت پهلوی، حق رأی زنان.

### The historical process of the encounter between Rohaniat institution and social position change of women in Second Pahlavi Duration

Kamal Razavi<sup>4</sup>/Ahmad Shekarchi<sup>5</sup>/Mostafa Ejtehad<sup>6</sup>

#### Abstract

During the entrance of Iranian society to modern era and the conjunction and challenge of Shiite-Iranian tradition in society with modern culture and thought, some issues changed to the axis of encounter and conflict of social forces, in which, women's issues is one of these issues. In the proceeding paper, the encounter between Rohaniat institution and social position change of women in Second Pahlavi Duration has been studied. Between these three and a half decay, different affairs have been a subject for Rohaniat to take a stance. These affairs specially includes: Women's rights issues, political participation of women, taking political responsibility by women, the presence of women inside social fields like employment and education, the relations between man and woman in family, controlling the body and Hijab of women and so on. Our study shows that in the duration between 1947-1961 because of the internal organization of Rohaniat institution and the dominant political structure, relative compromise and settlement in the relation of Rohaniat institution-state-society about women's social position is predominant. However, in the duration between 1961-1379 we notice different types of conflicts between Rohaniat institution and Pahlavi state, which led to the dominance of state and exclusion of Rohaniat from the process of social rule regulation.

Keywords: Social position change of women, Rohaniat institution, conflict of Rohaniat and state, Pahlavi state, Voting Rights for Women.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول). این مقاله برگرفته رساله دکتری کمال رضوی با عنوان «بررسی نقش نهاد روحانیت در مواجهه با پیامدهای اجتماعی نوسازی (با تأکید بر جایگاه اجتماعی زنان در ایران): مطالعه موردی تاریخی» است.

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

4. Ph.D Candidate of Sociology, Shahid Beheshti University. Email: k\_razavi@sbu.ac.ir.

5. Assistant Professor, Department of Sociology, Shahid Beheshti University. Email: a-shekarchi@sbu.ac.ir

6. Associate professor, Department of Sociology, Shahid Beheshti University. Email: m-edjtehad@sbu.ac.ir

## مقدمه

با شروع فرایند نوسازی در ایران عصر پهلوی، به تدریج شاهد افزایش مشارکت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان در جامعه هستیم. به موازات این افزایش مشارکت، زنان به عنوان بخش عمده‌ای از جامعه و همچنین آن دسته از طبقات اجتماعی متأثر و ملهم از افکار نو که قائل به تداوم نقش سنتی زنان نبودند، خواستار کسب جایگاه‌های اجتماعی بالاتر و ایفای نقش گسترده‌تر زنان شدند. این در حالی بود که جریان غالب بر نهاد روحانیت در مقابل این مطالبه و تقاضای اجتماعی مقاومت می‌کرد و بر لزوم وفاداری به سنت تأکید داشت. بنابراین، مسئله تغییر جایگاه زنان به عنوان یکی از نمونه‌های حاد و پرتنش رویارویی روحانیت با ابعاد اجتماعی نوسازی اهمیت می‌یابد.

در پژوهش پیش‌رو تلاش می‌کنیم مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ معاصر را در مواجهه روحانیت با تغییر جایگاه اجتماعی زنان بررسی کنیم و روند تغییر مناقشه‌های روحانیت و حکومت پهلوی را در این زمینه نشان دهیم. از خلال این بررسی می‌توان مصادیق مناقشه‌آمیز را استخراج کرد و به الگوهای تقابل و تعامل نهاد روحانیت و حکومت در این دوره پی برد. همچنین می‌توان دریافت چگونه نهاد روحانیت برای اعمال خواسته‌های خود در مسائل مربوط به زنان از شیوه‌های چانه‌زنی، اعمال فشار و احیاناً بسیج و تقابل در عرصه عمومی استفاده کرد و در مقابل، راهبرد حکومت در واکنش و پاسخ به شیوه‌های مذکور چه بود. در نهایت مسئله مهمی که این مقاله به آن می‌پردازد، مطالعه تأثیر این تنش بر کم و کیف روابط و تعاملات روحانیت و حکومت پهلوی است که منجر به فروپاشی حکومت پهلوی و تأسیس حکومت فقهی با محوریت روحانیت شد و نظام هنجاری-فقهی روحانیت بر حقوق، مشارکت و آزادی‌های زنان اعمال شد. در این پژوهش از روش بررسی توصیفی استفاده شده که مبتنی بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای شامل اسناد، گزارش‌های آرشیوی، مصاحبه و مشاهده مستقیم کنشگران است. استخراج مهم‌ترین حوزه‌های تنش و نحوه بروز، سطح و دامنه این تنش‌ها در رابطه روحانیت با حکومت در خصوص تغییر و توسعه جایگاه اجتماعی زنان، موضوع محوری این مقاله است. فرض تحلیلی این است که کم و کیف عملکرد حکومت پهلوی و هدایت و راهبری تنش‌ها در مواجهه روحانیت با جایگاه اجتماعی زنان به گونه‌ای بود که فقدان رویه‌های مجاب‌آمیز و تعاملی و عقب‌گردهای اساسی در وضعیت زنان در حکومت فقهی را به دنبال داشت.

برهه زمانی این پژوهش دوره حکومت پهلوی دوم (از سال ۱۳۲۵ و آغاز مرجعیت آیت‌الله بروجردی) را دربرمی‌گیرد. این دوره زمانی چهار دهه‌ای را نیز به دو زیردوره مشخص تقسیم می‌کنیم:

- روحانیت در عصر مرجعیت واحد آیت‌الله بروجردی (۱۳۲۵-۱۳۴۰)
- روحانیت در دوران تعدد مرجعیت، از درگذشت آیت‌الله بروجردی تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷

در گذشت آیت‌الله بروجردی به چرخشی قابل توجه در سازمان درونی و جایگاه اجتماعی-سیاسی روحانیت و نحوه تعامل آن با مسئله زنان انجامید که این دو دوره را از حیث تعامل نهاد روحانیت و حکومت متمایز می‌سازد.

سه ضلعی حکومت-روحانیت-جنبش‌های زنان در عصر پهلوی دوم موضوع بررسی پژوهش‌های مجزای قابل توجهی نبوده است. پژوهش‌ها در این زمینه اغلب بر دو ضلع از این سه کنشگر جمعی تمرکز کرده‌اند. برخی صرفاً به بررسی رابطه روحانیت و مسائل زنان پرداخته‌اند که جهت‌گیری غالب بر آثار آنها حقوقی، الهیاتی و فقهی و اغلب فاقد سوبه تاریخی و جامعه‌شناختی مدون است. برخی فقط به ابعاد تاریخی و اجتماعی جایگاه زنان در حکومت پهلوی پرداخته و بر دو ضلع حکومت و سازمان‌ها و جنبش‌های زنان تمرکز کرده‌اند. از جمله، تأثیر مدارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران عنوان پژوهشی از منیرالسلادات میرهادی است که تأثیر گسترش آموزش و پرورش نوین دختران بر توسعه اجتماعی و فرهنگی زنان ایرانی از جنبش مشروطه‌خواهی تا پایان دوره سلطنت رضاشاه پهلوی را بررسی می‌کند. «اندیشه و کنش در سیاست جنسیت: بررسی تجربه ایران در سال‌های ۱۲۷۰-۱۳۲۰» عنوان پژوهشی از ابوالفضل دلاوری و الهه صادقی است که ایده‌ها، جنبش‌ها و سیاست‌های معطوف به تغییر و اصلاح وضعیت زنان را مطالعه می‌کند و عواملی نظیر مقاومت شدید محافظه‌کاران در عصر ماقبل پهلوی، سرشت آمرانه سیاست اصلاحی حکومت پهلوی اول و ناسازگاری این سیاست با فرهنگ مسلط را دلیل ناکامی جنبش‌های اصلاحی جنسیتی و واگشت‌گرایی در دوره‌های بعدی می‌داند. «مطالعه آراء اندیشمندان ایرانی درباره مسئله حجاب و کشف حجاب در دوره رضاشاه» عنوان پژوهشی است از حمیرا امامی‌قرا که تأثیرات روشنفکران بر تسهیل سیاست کشف حجاب را می‌کاود و سیاست مذکور را عامل فاصله گرفتن جامعه از حکومت، چندگانگی فرهنگی و تعدیل ویژگی‌های پوشش زنان قلمداد می‌کند. «اجتماعی شدن زنان در عصر پهلوی اول؛ امکان یا امتناع» عنوان پژوهشی است از پروین رستمی و جهانبخش ثواقب که از نظر نویسندگان، سیاست اصلاحی حکومت پهلوی اول برای گسترش آموزش و اجتماعی شدن کامل زنان به گونه‌ای بود که نتوانست شرایط مساعدی برای حضور زنان در عرصه اجتماعی پدید آورد.

چنانکه ملاحظه می‌شود، غالب این پژوهش‌ها بر برهه تاریخی حکومت پهلوی اول تمرکز کرده‌اند؛ شیب سیاست‌های آمرانه این حکومت در خصوص مسائل زنان که به‌ویژه در کشف حجاب بروز عینی یافت، عامل گرایش پژوهشگران به بررسی تاریخی و اجتماعی این مسئله در حکومت پهلوی اول است. البته پژوهش‌های دیگری دامنه بررسی تاریخی و اجتماعی خود را به حکومت پهلوی دوم تعمیم داده‌اند. از جمله، هادی نوری و صدیقه مسیب‌نیا فحبی در کتاب حقوق شهروندی زنان در ایران بین دو انقلاب به

بررسی حقوق شهروندی زنان بین دو انقلاب مشروطه و اسلامی پرداخته و تلاش زنان برای دستیابی به حقوقشان، از جمله حق تحصیل، حق اشتغال و آزادی بیان، را تحلیل و ارزیابی کرده‌اند. زهرا سوری نیز در پایان‌نامه خود، با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر تغییرات مد و لباس دوره پهلوی اول و دوم»، زمینه‌های شکل‌گیری نوگرایی و مسئله کشف حجاب و تأثیر آن بر پوشش زنان ایرانی، از آغاز سلطنت پهلوی اول تا پایان حکومت پهلوی دوم، را مطالعه کرده است. در پژوهش «سازمان‌ها و تشکل‌های زنان در دوره پهلوی دوم»، نوشته مژده رضاییان و آفرین توکلی، نیز ماهیت، اهداف و دستاوردهای سازمان‌های زنان و تأثیرات این سازمان‌ها بر جامعه ایران بررسی شده است.

وجه تمایز پژوهش حاضر واریسی مناسبات روحانیت و حکومت از دریچه مسائل زنان است. به عبارت دیگر، موضوع محوری این مقاله بررسی جنبش‌ها، سازمان‌ها و فعالیت‌های زنان و مرادوات آنها با حکومت نیست، بلکه مطالعه توصیفی ابزارها، روش‌ها و راهبردهای روحانیت برای تأثیرگذاری بر حکومت در جهت جلوگیری از توسعه جایگاه اجتماعی زنان است که از نگاه روحانیت امری مفسده‌آور و غربی تلقی می‌شد. وجه تحلیلی پژوهش حاضر نیز به پیامدهای این تقابل بر فروپاشی حکومت پهلوی و وضعیت آتی زنان در حکومت پساانقلابی توجه دارد.

## تغییر جایگاه اجتماعی زنان در عصر پهلوی اول

چنانکه می‌دانیم، در عصر مشروطه سه تحول مهم در حوزه زنان منجر به گسترش مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان شد: تأسیس مدارس دخترانه، شکل‌گیری جمعیت‌ها و انجمن‌های زنان، و انتشار مطبوعات و نشریات زنان. این سه تحول در تمام دوران پهلوی نیز تداوم یافت. زنان مشارکت بیشتری در حوزه آموزش و اشتغال کسب کردند، اما مسئله حقوق برابر یا بازنگری در نگرش پدرسالارانه در عصر پهلوی اول و دوم همچنان مغفول ماند و هدف سیاستگذاری‌های حکومت پهلوی نیز گرچه ظاهراً گسترش حضور زنان در جامعه بود، عملاً در جهت تحکیم جایگاه زنان در خانه‌داری، همسر‌داری و تربیت فرزندان بود. در این بین، اقدام حکومت رضاشاه در کشف حجاب اجباری و برخورد تند حکومت با روحانیت و افشار مذهبی مخالف این اقدام، سبب شکل‌گیری چنین تصویری شد که حکومت رضاشاه مبدع برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای حضور گسترده زنان در صحن جامعه است. دیدگاه غالب در نهاد روحانیت این بود که سیاست کشورهای استعماری این است که با کشف حجاب، زنان مسلمان را همگون زنان اروپایی کنند و به بخشی از برنامه استعماری خود برای تضعیف پایه‌های رهبری مذهبی دست یابند.<sup>۱</sup> چنین قلمداد می‌شد که کشف حجاب بخشی از نقشه طراحی شده کسانی است که رضاشاه

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶ (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۶)، ص ۱۹۳؛ مرادعلی توانا، «زمینه‌ها و عوامل فرهنگی، سیاسی و تاریخی گسترش بدحجابی در تاریخ معاصر ایران»، حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، تدوین ابراهیم شفیعی سروستانی (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۲۰-۲۲.

را به قدرت رسانده‌اند و قرار است وی مجری آن نقشه باشد.<sup>۱</sup>

بررسی شواهد تاریخی بیانگر آن است که اقدام رضاشاه در کشف حجاب اجباری زنان، بخشی از تلاش حکومت وی برای تظاهر به مدرن‌سازی جامعه بود. رضاشاه در همان سال ۱۳۱۴ که فرمان منع حجاب را صادر کرد، به تأسیس نهادی دولتی به نام «کانون بانوان» زیر نظر وزارت معارف پرداخت. چنانکه پژوهشگران تصریح کرده‌اند، هدف کانون بانوان و دیگر نهادهای زنانه حکومت‌ساخته، نه کسب حقوق برابر برای زنان و نه گسترش مشارکت سیاسی زنان بود. رضاشاه تنها به آن دسته از تغییرات توجه داشت که ظاهری از مدرن‌سازی کشور به نمایش بگذارد.<sup>۲</sup> کارنامه کانون بانوان در کنار سازمان‌هایی نظیر «سازمان پرورش افکار» معرف رویکرد حکومت پهلوی در تظاهر به نوسازی جامعه در دورانی است که هنوز پیش‌نیازهای مشارکت واقعی زنان در جامعه فراهم نشده بود. سیاستگذاری پهلوی در مسائل زنان صرفاً با هدف «ظاهر شدن و به نظر رسیدن» بود. چنین سیاستی بیش از تحول جدی باورها و نگرش‌ها، نحوه ظاهر شدن زنان در انظار عمومی و تربیت بدن‌های منضبط در امتداد پروژه نوسازی را دنبال می‌کرد.<sup>۳</sup> توصیف کوتاه فوق مختصات گفتمان و سیاستگذاری فرهنگی حکومت پهلوی را در حوزه زنان نشان می‌دهد. این سیاستگذاری نه چنانکه جریان مسلط روحانیت می‌پنداشت، دیکته و دستور استعمار بود، و نه منادی و پشتیبان واقعی توسعه همه‌جانبه زنان در امور مختلف سیاسی و اقتصادی. تشویق زنان به حضور در جامعه از جانب حکومت پهلوی تا جایی بود که اولاً به خواست مشارکت و آزادی‌های سیاسی نینجامد (چنانکه قریب به اتفاق انجمن‌ها و نشریات زنانه که جهت‌گیری سیاسی داشتند در عصر رضاشاه به تعطیلی کشانده شدند) و ثانیاً با نگرش و گرایش غالب پدرسالارانه برای ایفای نقش اساسی زن در خانواده و همسررداری و تربیت فرزندان سازگار افتد. توسعه مشارکت زنان در این دوران بخشی از برنامه حکومت برای نشان دادن نوسازی بود.

### دوره نخست: دوره آرامش نسبی

دوره نخست این پژوهش دربرگیرنده دوران مرجعیت عامه آیت‌الله بروجردی در حد فاصل سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۴۰ شمسی است. چنانکه در ادامه شرح خواهیم داد، در این دوره شاهد اصطکاک‌ها و مواجهه‌های محدودی میان نهاد روحانیت با مسئله زنان هستیم.

۱. رضا رمضان نرگسی، «بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی دوم تا پایان جنگ تحمیلی»، حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، تدوین ابراهیم شفیعی سروسستانی (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۵۷.  
۲. الیز ساناساریان، جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷)، ترجمه نوشین احمدی خراسانی (تهران: اختران، ۱۳۸۴)، ص ۱۱۰؛ منیرالسلادات میرهادی، تأثیر ملارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران (تهران: کویر، ۱۳۹۳)، ص ۱۳۵؛ هادی نوری و صدیقه مسیب‌نیا فحبی، حقوق شهروندی زنان در ایران بین دو انقلاب (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۶)، ص ۱۵۴.  
۳. فاطمه صادقی، جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران دوره پهلوی اول (تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۴)، ص ۱۴۰.

## اعطای حق رأی به زنان

سابقه قانون انتخابات در ایران به انقلاب مشروطه بازمی‌گردد. نه در نخستین قانون انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب سال ۱۲۸۵ش) و نه در دومین و سومین قانون (به ترتیب ۱۲۸۸ش و ۱۲۹۰ش) جایگاهی برای حق رأی زنان لحاظ نشده بود. در اولین بند هر کدام «نسوان» هم‌عرض با تبعه خارجی، ورشکستگان، مرتکبین قتل، مقصرین سیاسی، متجاهرین به فسق و... از حق رأی (انتخاب کردن و انتخاب شدن) محروم شده بودند. این وضعیت تا دهه ۱۳۲۰ برقرار بود.<sup>۱</sup> در سرفصل شکل‌گیری جبهه ملی، در لایحه انتخاباتی‌ای که دکتر محمد مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۰ش ارائه داد، شرط ذکوریت (مرد بودن) به‌عنوان شرط انتخاب شدن یا انتخاب کردن قید نشده بود و همین امر منجر به شکل‌گیری مناقشه جدی در جامعه ایران شد. از طرفی انجمن‌ها و تشکل‌های زنان با ارسال طومار و انتشار بیانیه، تصریح حق انتخاب شدن و انتخاب کردن زنان را خواستار شدند و از طرف دیگر، اقلیتهای مذهبی که این دیدگاه را «خلاف ضروریات اسلام» تلقی می‌کردند، خطاب به مراجع تقلید و به‌ویژه آیت‌الله بروجردی طومارها نوشتند و خواهان جلوگیری از این اقدام شدند. در دی‌ماه ۱۳۳۱ اطلاعیه‌ای از طرف آیت‌الله سید محمد بهبهانی با عنوان «اظهار نظر در اطراف لایحه قانون انتخابات» منتشر شد. در این اطلاعیه نامه‌های مراجع ساکن قم، شامل آیات سید صدرالدین صدر، حسین طباطبایی بروجردی و محمدحسین کوه‌کمری، خطاب به بهبهانی عیناً نقل می‌شود و در انتها نیز آیت‌الله بهبهانی موضع مخالف خود را اعلام می‌کند.<sup>۲</sup> در پیام همه مراجع مذکور اعطای حق رأی به زنان امری «مخالف احکام ضروریه اسلام» اعلام می‌گردد و درباره آن تذکر داده می‌شود.<sup>۳</sup> اما موضوع تنها به اعلامیه اعتراضی و طومار ختم نشد، بلکه در پی اعلامیه‌های تهدیدآمیز تشکل‌های مذهبی،<sup>۴</sup> زد و خورد جدی در شهر قم شکل گرفت که منجر به کشته شدن حداقل یک نفر و مصدوم شدن تعدادی دیگر شد.<sup>۵</sup> پس از این فراز و نشیب‌ها، موضوع مشارکت انتخاباتی زنان در این برهه به محاق رفت و شرایط مطابق خواسته اقلیتهای دیندار سنتی و روحانیت و مراجع پیش رفت.

۱. مهدی رهبری، «انقلاب مشروطه و رویارویی ایرانیان با چهره ژانوسی تجدید»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۱ (۱۳۸۸)، ص ۱۵۱-۱۷۳؛ مجید سائلی کرده، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۱۲۸-۱۸۸؛ نوری و مسیب‌نیا فخبی، ص ۱۷۰-۱۷۳.

۲. محمدحسین منظورالاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست (تهران: شیرازه، ۱۳۷۹)، ص ۴۸۷.

۳. همان، ص ۴۷۷.

۴. مسعود کوهستانی‌نژاد، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم (اتحادیه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌های مذهبی، سیاسی)، ج ۲ (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵).

۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۷، ج ۱۷ (تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس)، ص ۵۸.

## مسئله ولیعهدی زنان

یکی دیگر از مواضع روحانیت در مخالفت با توسعه مشارکت سیاسی زنان در این دوره، تلاش برای معرفی اشرف پهلوی به عنوان ولیعهد محمدرضا شاه (پیش از تولد رضا پهلوی در سال ۱۳۳۸) و تشکیل مجلس مؤسسان برای این منظور است که آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی در خاطرات خود به آن اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup> آیت الله صافی گلپایگانی در این روایت تصریح می‌کند که با پیگیری‌های ایشان، پدر و برادرشان آیت الله بروجردی متقاعد می‌شوند که باید علیه این مسئله موضع‌گیری کنند و در نتیجه نامه‌ای از سوی این مرجع تقلید منتشر می‌شود. در این نامه آیت الله بروجردی «صریحاً موضع سلبی و منفی خود را اعلام نمودند.» به گفته آیت الله صافی، این نامه فوراً مثل توپ و بیشتر صدا کرد و دستگاه دانست که روحانیت از این موضوع و مخصوصاً ولیعهدی زن به هر قیمتی باشد جلوگیری می‌نماید. لذا به دست و پا افتادند که بلکه نامه منتشر نشود و پیغام آوردند که موضوع بدون این نامه هم طبق نظر آقا مسکوت‌عنه شده است... و خلاصه، غائله ولایتعهدی اشرف و وارد کردن بانوان در مسئولیت‌های عمومی که در هر مرتبه‌اش با اسلام سازگار نیست، با توجه و غیرت دینی حضرات بزرگان حوزه و پادرمیانی مرحوم آقای والد و عزم و تصمیم فداکارانه زعیم بزرگ مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و همکاری اینجانب و حضرت آقای اخوی به این صورت با عقب‌نشینی مفتضحانه شاه پایان پذیرفت، و الحمد لله رب العالمین.<sup>۲</sup>

مطابق گزارش منابع تاریخی، مجلس مؤسسان در دوره پهلوی تنها سه نوبت در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۲۸ و ۱۳۴۶ تشکیل شده است.<sup>۳</sup> بنابراین، در برهه زمانی ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۶ برگزار نشده است. اما با توجه به جزئیاتی که در خاطره آیت الله صافی نقل شده، تنها طرح این شایعه که شاه قصد دارد برای تصویب ولایتعهدی اشرف پهلوی مجلس مؤسسان دایر کند، کافی بوده است که در مدارج مختلف روحانیت، از مرجعیت عالی تا مدرسان طراز اول و طلاب جوان، تحرکی همه‌جانبه برای مقاله با تصدی جایگاه سیاسی ولایتعهدی زنان صورت گیرد تا از این اقدام پیشگیری شود. در نتیجه، با فرض دقیق بودن

۱. متأسفانه هیچ منبع تاریخی دیگری پیدا نشد که در این باره سخن گفته باشد؛ نه در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و نه در سایر پژوهش‌های تاریخی به این موضوع اشاره‌ای نشده است. بنابراین، روایتی که در اینجا نقل می‌شود صرفاً براساس تک‌منبع خاطره آیت الله صافی گلپایگانی است.

۲. لطف الله صافی گلپایگانی، *فخر دوران: نکوداشت استاد اعظم و زعیم بزرگ جهان اسلام مرحوم آیت الله بروجردی اعلی الله مقامه*، تدوین محسن اکبری قم؛ دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۶۲-۶۶.

۳. فاطمه مسعودی، *آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران: اولین مجلس مؤسسان ۱۳۰۴-۱۳۰۴ آذر ۱۳۰۴* (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵)؛ فاطمه مسعودی، *آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران: دومین مجلس مؤسسان اول اردیبهشت ۱۳۲۸-۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۸* (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵)؛ محمد مدرس، *آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران: سومین مجلس مؤسسان ۱۳۴۶-۱۹ شهریور* (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵).

روایت مذکور،<sup>۱</sup> موضوع ولایتعهدی اشرف که نمودی از تصدی جایگاه‌های سیاسی عالی توسط زنان بود، در نتیجه مخالفت روحانیت منتفی شد.

### اعتراض‌ها به پوشش زنان و اختلاط جنسیتی

در این دوره گزارش‌هایی از اعتراضات مرجعیت عامه وقت (آیت‌الله بروجردی) و دیگر مدارج روحانیت در باب مسائل مرتبط با زنان دیده می‌شود که مشتمل بر مواردی نظیر انتشار عکس زنان در نشریات، برپایی جشن ۱۷ دی (موسوم به روز آزادی زنان)، شنای مختلط زن و مرد در دریای خزر و حضور مختلط زنان و مردان در جلسات شهر و انجمن‌هاست.<sup>۲</sup> مطابق اسناد شهربانی در این برهه، هرچند مدارج عالی روحانیت به وضعیت فرهنگی و اجتماعی زنان و مسئله حجاب و اختلاط جنسیتی معترض بودند، اعتراضاتی از این دست جنبه فعالانه و کنشگرانه فراگیر نداشت و منجر به اقدام عملی نمی‌شد و تنها از باب تذکر به مسئولان و بیان اعتراض به وضع موجود بود و در اغلب موارد حکومت، جامعه و روحانیت هر یک راه خود را می‌رفتند، بی‌آنکه وفاق ارزشی و هنجاری در این زمینه وجود داشته باشد.

### مقابله با برگزاری جشن ۱۷ دی

۱۷ دی سال‌روز کشف حجاب، و براساس ادبیات حکومت پهلوی، سال‌روز آزادی زنان و شکل‌گیری نهضت زنان ایران بود.<sup>۳</sup> معمولاً برای گرامی‌داشت این روز رضاشاه جشن‌های مفصلی برگزار می‌کرد و مقامات دولتی ملزم بودند با همسران خود بدون رعایت حجاب در این جشن‌ها حاضر شوند. همچنین مراسم رژه دختران در مقابل شاه نیز به همین منظور پیش‌بینی شده بود. اما گزارش‌های تاریخی بیانگر این است که در تمام سال‌های دهه ۱۳۲۰ تا اواسط دهه ۱۳۳۰ برگزاری این مراسم به سبب اعمال نفوذ و فشار روحانیت با وقفه و تعطیلی مواجه شد. مهرانگیز دولتشاهی، دبیر جمعیت راه نو، این مسئله را به این شکل روایت کرده است:

در سال ۱۳۳۴ که جمعیت راه نو تأسیس شد سال‌ها بود که جشن هفده دی را نمی‌گرفتند. بعد از ۱۳۲۰ آخوندبازی شده بود و دیگر ترسیده بودند و ۱۷ دی را جشن نمی‌گرفتند. سال ۱۳۳۴ ما تصمیم گرفتیم که جشن ۱۷ دی را بگیریم. بعضی‌ها می‌گفتند مواظب باشید که او باش می‌ریزند، سنگ می‌اندازند، فلان و اینها. ما گفتیم نه... آن زمان ملکه ثریا آمد و ما جشن را برقرار کردیم و خانم ناصر هم صحبت کرد و مراسم جشن برگزار شد.<sup>۴</sup>

۱. آیت‌الله صافی در ابتدای نقل خاطره مذکور تصریح کرده است: «اینک با فشار بر حافظه، نمونه‌هایی از...» (صافی گلپایگانی، ص ۶۲). با توجه به زمان نقل این خاطره که حدود ۶۰ سال پس از رخداد آن بوده است، احتمال آنکه ایشان در نقل برخی از جزئیات حضور ذهن کافی نداشته‌اند یا به کلی خاطره تنها ناظر بر طرح یک شایعه در یک نشریه بوده باشد، دور از ذهن نیست.

۲. رحیم روحبخش، آیت‌الله العظمی بروجردی به روایت اسناد (تهران: نشر مورخ، ۱۳۹۷)، ص ۱۹۰-۱۹۲ و ۲۳۱؛ صافی گلپایگانی، ص ۶۱-۶۲.

۳. مهرانگیز دولتشاهی، جامعه، دولت و جنبش زنان ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تدوین غلامرضا افخمی، ج ۱ (مریلند: انتشارات بنیاد مطالعات ایران، ۲۰۰۲).

۴. همان، ص ۲۶.



مطابق این روایت، از سال ۱۳۳۴ جشن مجدداً برگزار شده است. در گزارش شاگردان وقت آیت‌الله بروجردی، به مقابله ایشان با این مراسم اشاره‌هایی شده است:

واکنش به رژه دختران در برابر شاه: یک بار اعلام شد که روز شنبه دخترها در برابر شاه رژه می‌روند. این مطلب به عرض ایشان [آیت‌الله بروجردی] رسانده شد، و ایشان فوراً پیام شدیدی فرستادند و آن را ممنوع نمودند. لذا با اینکه هوا بسیار صاف و مناسب بود اعلام کردند که به مناسبت بدی هوا، مراسم اجرا نمی‌شود.<sup>۱</sup>

متأسفانه آیت‌الله صافی تاریخ دقیق این رخداد را بیان نکرده است، اما تصور می‌شود در حد فاصل ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۳ رخ داده باشد. چون همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مراسم جشن ۱۷ دی از سال ۱۳۳۴ برپا می‌شده و اعتراضات مرجعیت وقت و روحانیت نیز تأثیری بر عزم فعالان حقوق زن نزدیک به حکومت برای برپایی این مراسم نداشته است.

### مخالفت با تأسیس خانه زن

در خاطره دیگری که از یکی از شاگردان وقت آیت‌الله بروجردی نقل شده، به ماجرای تأسیس «خانه زن» و مخالفت آیت‌الله بروجردی با این موضوع و توفیق در جلوگیری از آن اشاره شده است:

شایع بود که همسر نخست‌وزیر وقت بهائی است. به همین خاطر ایشان از پذیرفتن او برای ملاقات خودداری می‌نمود. تا اینکه پس از تلاش‌هایی بسیار، ایشان موافقت کرده بودند. یادم هست شب آن روزی که قرار بود ملاقات صورت بگیرد، در روزنامه خواندم به دستور نخست‌وزیر، در تهران خانه زن تأسیس می‌شود. خبر روزنامه را نوشتم. آخرهای شب که شد، بردم بیت آقا و دادم به مشهدی اسماعیل و گفتم این نوشته را به آقا بدهید... نخست‌وزیر آمد. خیلی مؤدب نشست. پس از احوالپرسی و تعارفات معمول، راجع به کارهایی که دولت در خوزستان کرده بود گزارش داد. آیت‌الله بروجردی، تا آخر جلسه، به او بی‌اعتنایی کردند، حتی صورتشان را هم از او برگردانده بودند. صحبت‌های نخست‌وزیر که تمام شد، ایشان با عصبانیت فرمودند خانه زن دیگر چیست؟ نخست‌وزیر وقتی این عصبانیت و آن بی‌اعتنایی را دید، به کلی منکر اصل قضیه شد. از همان وقت مسئله به فراموشی سپرده شد.<sup>۲</sup>

در میان نخست‌وزیران پهلوی دوم، چند تن به ارتباط داشتن با بهائیان معروفاند: هویدا، اسدالله علم، حسین علاء و حسنعلی منصور.<sup>۳</sup> در این بین تنها حسین علاء در برهه‌ای از زمان مرجعیت آیت‌الله

۱. صافی گلپایگانی، ص ۷۰.

۲. «مصاحبه با آیت‌الله شیخ علی صافی گلپایگانی»، حوزه، ش ۴۴-۴۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰)، ص ۱۰۸.

۳. علی حقیقت‌جو، بهائیت و رژیم پهلوی، بهائیت آن‌گونه که هست (تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم، ۱۳۸۷)، ص ۲۳۵-۲۴۹.

بروجردی، نخست‌وزیر بوده است (فروردین ۱۳۳۴ تا فروردین ۱۳۳۶). او روابط نزدیکی با روحانیت داشت،<sup>۱</sup> به‌ویژه اینکه به‌جز جایگاه نخست‌وزیری سالیان زیادی وزیر دربار بود. به‌رغم این، در منابع تاریخی همسر حسین علاء به ارتباط داشتن با بهائیت موصوف نشده و خود حسین علاء نیز فردی متدین معرفی شده است.<sup>۲</sup>

مسئله دیگر در این نقل تاریخی بحث تأسیس «خانه زن» است. تأسیس این نهاد از جمله اقدامات شورای عالی جمعیت‌های زنان قلمداد شده است.<sup>۳</sup> با فرض صحت این روایت، تأسیس آن به سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۱ بازمی‌گردد. چرا که شورای عالی جمعیت‌های زنان در اسفند ۱۳۳۷ به ریاست اشرف پهلوی تأسیس شد و تا اوایل دهه ۱۳۴۰ فعال بود. در اوایل دهه ۴۰ شورای مذکور منحل شد و جای خود را به سازمان زنان داد.<sup>۴</sup> البته پیش از شورای عالی جمعیت‌های زنان، تشکلی با عنوان «سازمان همکاری جمعیت‌های زنان»<sup>۵</sup> نیز شکل گرفته بود. از سوی دیگر، در منابع از شکل‌گیری نهادی با عنوان «خانه زن» در سال ۱۳۴۹ صحبت شده که شمار آن در کشور بیش از ۵۰ خانه بوده است. این نهاد زیرمجموعه سازمان زنان بود و به‌منظور اجرای طرح‌ها و برنامه‌های این سازمان تأسیس شده بود.<sup>۶</sup> با کنار هم گذاشتن این شواهد تاریخی درمی‌یابیم که تاریخ روایت آیت‌الله صافی درباره تشکیل خانه زن در حد فاصل سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ بوده است. هرچند لحن این روایت به گونه‌ای است که خواننده تصور می‌کند پس از عتاب و برخورد تند آیت‌الله بروجردی، نخست‌وزیر و دولت از راه‌اندازی نهاد مذکور منصرف شده‌اند، شواهد تاریخی نشان می‌دهد تشکیلات دولتی زنان در دهه ۱۳۳۰ توسعه زیادی یافت و از کانون بانوان که در دوره رضاشاه تأسیس شده بود، نخست به «سازمان همکاری جمعیت‌های زنان» (دارای مجوز از وزارت کار در سال ۱۳۳۵)، سپس به «شورای عالی جمعیت‌های زنان» (اسفند ۱۳۳۷) و در نهایت به «سازمان زنان» (ابتدای دهه ۱۳۴۰) توسعه و تغییر نام یافت و اعتراض و نارضایتی مدارج عالی روحانیت نیز در این بین تأثیری نداشت.

## جمع‌بندی دوره نخست

مروری بر نقاط عطف مواجهه نهاد روحانیت، جامعه و دولت در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی نشان می‌دهد نظر روحانیت و اجتماع مقلدان آنها در مورد غیرشرعی و حرام بودن اعطای حق رأی به زنان

۱. فریدون علاء، «گفت‌وگوی تاریخ ایرانی با فریدون علاء، فرزند نخست‌وزیر اسبق ایران»، تاریخ ایرانی (۲۵ دی ۱۳۹۰) [تخاذا: ۲۷ شهریور ۱۳۹۹].  
http://tarikhirani.ir/fa/news/7419.

۲. همان.

۳. «فرخ‌رو پارسای»، حوراء، ش ۱۹ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵).

۴. نوری و مسیپ‌نیا، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۵. دولتشاهی تأسیس سازمان مذکور را به سال ۱۳۳۶ یا ۱۳۳۵ نسبت داده است.

۶. حمیرا رنجبر عمرانی، «تغییر ماهیت جمعیت‌های زنان، از آغاز تا سازمان زنان»، تاریخ معاصر ایران، ش ۳۳ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۹۹.

به کرسی نشست و مجموعه تشکل‌ها و فعالان حقوق زنان و حاکمیت موفق نشدند زمینه مشارکت سیاسی زنان را در این برهه فراهم آورند. اما دیدگاه انقباضی نهاد روحانیت در زمینه آزادی‌های اجتماعی زنان، نظیر پوشش و مرادها با مردان و اختلاط جنسیتی و نیز تأسیس کانون‌ها، نهادها و تشکل‌های زنان، امکان تسلط نیافت و تنها به شکل اعتراض و اعلام موضع مخالف و اعمال فشار به دولتمردان نمود پیدا کرد و فعالان حقوق زنان عمدتاً زیر نظر برنامه‌های توسعه آمرانه حاکمیت، در این حوزه‌ها به مشارکت و حقوق بیشتری دست یافتند.

شکل اعتراضی نهاد روحانیت در این برهه بیشتر از طریق احضار مقامات دولتی، اعلام موضع مخالف، صدور اطلاعیه و ایجاد تجمعات اعتراضی (که از جمله در دی‌ماه ۱۳۳۱ منجر به درگیری، زد و خورد شدید شد) بود.

از میانه دهه ۱۳۳۰ که محمدرضا شاه احساس کرد دیگر چندان نیازی به حمایت روحانیت ندارد (پس از پشت سر گذاشتن تلاطم کودتای ۱۳۳۲، حذف زاهدی از جایگاه نخست‌وزیری و تثبیت موقعیت خودکامه) شاهد هستیم که دولت به خواسته‌ها و اعتراضات مدارج عالی روحانیت اهمیت چندانی نمی‌دهد و مرجعیت نیز، به‌عنوان عالی‌ترین جایگاه نهاد روحانیت، در مقابل مسائلی نظیر توسعه و تأسیس سازمان‌های تشکل زنان، برقراری مجدد جشن ۱۷ دی و آزادی پوشش و مرادها اجتماعی زنان واکنش حادی نشان نمی‌دهد یا به برخورد تقابلی شدید دست نمی‌زند و به اعتراض و رایزنی محدود و غیرعمومی بسنده می‌کند. خلاصه‌ای از مهم‌ترین نقاط بروز تنش در دوره اول پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

### جدول ۱. جمع‌بندی مواضع و کنش‌های روحانیت در دوره نخست

اهم حوزه‌های تنش	قلمرو بروز	نتیجه	نحوه بروز تنش	سطح و دامنه تنش
اعطای حق رأی به زنان	سیاسی	تحقق خواست روحانیت	اعلامیه، طومار اعتراضی، تجمع، برخورد فیزیکی	گسترده
مسئله ولیعهدی زنان	سیاسی	تحقق خواست روحانیت	رایزنی با مقامات، تهدید به صدور اعلامیه	محدود
اعتراض به پوشش زنان و اختلاط جنسیتی	اجتماعی-فرهنگی	عدم تحقق خواست روحانیت	رایزنی با مقامات، اعتراض در منابع	محدود
مقابله با برگزاری جشن ۱۷ دی	اجتماعی-فرهنگی	عدم تحقق خواست روحانیت	رایزنی با مقامات	محدود
مخالفت با تأسیس خانه زن	اجتماعی-فرهنگی	عدم تحقق خواست روحانیت	رایزنی با مقامات	محدود

## دوره دوم: اوج‌گیری نزاع

در این دوره که مقطع درگذشت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ تا وقوع انقلاب ۱۳۵۷ را دربرمی‌گیرد، اقتدار نسبتاً یکپارچه مرجعیت که در سایه مرجعیت عامه آیت‌الله بروجردی نمود یافته بود، از میان رفت و میان شماری از مراجع ساکن قم (آیات گلپایگانی، خمینی، شریعتمداری، نجفی مرعشی)، نجف (آیات سید عبدالهادی شیرازی، محسن حکیم، خوئی)، تهران (آیت‌الله سید احمد خوانساری) و مشهد (آیات سید حسن طباطبایی قمی و سید محمدهادی میلانی) توزیع شد. در ابتدای این دوره، تصور محمدرضاشاه و دولتمردان پهلوی این بود که تعدد مرجعیت و تلاش‌های صورت‌گرفته برای انتقال ثقل مرجعیت شیعه از قم به نجف، فرصتی است برای عقب‌راندن مقاومت نهاد روحانیت در مسائل مختلف نظیر اصلاحات ارضی و جبران شکست‌های دوره قبل در مسائلی نظیر مشارکت سیاسی زنان. پس از یک برهه منازعه سخت در این زمینه، به شرحی که در ادامه خواهیم دید، حکومت با اعمال سلطه بالا به پایین و اقتدارگرایی خشونت‌بار رویکرد انقباضی نهاد روحانیت را در مسائل مربوط به زنان سرکوب کرد. در مقابل، روحانیت نیز در جهت پاسداشت نظم سنتی فقهی از تمام ابزارها و سازوکارهای موجود برای خنثی‌سازی تلاش‌های رژیم و اعمال فشار و نهایتاً مشروعیت‌زدایی بهره گرفت.

### طرح مجدد مسئله اعطای حق رأی به زنان

تلاش حکومت پهلوی برای اعطای حق رأی به زنان بار دیگر در سال ۱۳۴۱ (یک سال پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی) از سر گرفته شد. این امر در زمان نخست‌وزیری اسدالله علم رخ داد. دولت علم در ۱۴ مهرماه ۱۳۴۱ قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی را که پس از مجلس شورای ملی اول دست‌نخورده باقی مانده بود، مورد بازنگری قرار داد. به موجب این مصوبه که در غیاب مجلس حکم قانون را داشت، به زنان حق رأی داده می‌شد و همچنین شرط مسلمان بودن و سوگند خوردن به قرآن مجید از شرایط انتخاب‌شوندگان حذف می‌گشت. هرچند انجمن‌های ایالتی در مقایسه با مجلس شورای ملی یا کابینه، جایگاه سیاسی-اداری مهمی نداشت، به هر حال نفس اعطای حق انتخاب شدن و انتخاب کردن به زنان موضوعی حساس برای اجتماع مذهبی سنتی بود.

بلافاصله پس از اعلام این موضوع در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، مخالفت مراجع، وعاظ و گروه‌های مذهبی با این امر آغاز شد. تمامی مراجع تقلید و همچنین فقهای کمتر شناخته‌شده، نظیر سید محمدصادق روحانی، در اعتراض به این موضوع برای محمدرضاشاه تلگراف ارسال کردند و با تعبیر مختلفی نظیر «عدم انطباق با قوانین محکمه شرع مقدس»، «خلاف موازین شرعی» (آیت‌الله گلپایگانی)، «مخالف

شرع انور و قانون اساسی» (آیت‌الله خوئی)، «قوانین کافره، برخلاف قوانین مقدمه اسلام و مذهب حقه جعفری»، «مخالف اصول متبوعه و موجب تنفر ملت مسلمان ایران» (آیت‌الله حکیم)، «مستلزم مفاسد» (آیت‌الله میلانی)، «عدم موافقت با موازین شرع انور» (آیت‌الله اراکی)<sup>۱</sup>، «مخالف با موازین شرعی و بالنتیجه مخالف با قانون اساسی»، «خلاف صریح قوانین شرع انور» (آیت‌الله شریعتمداری)، «تخلف از قوانین دینی و برخلاف مقررات دین» (آیت‌الله سید حسن طباطبایی قمی)، «خلاف موازین شرعیه و قانون اساسی» (محمدصادق روحانی)<sup>۲</sup> به اعطای حق انتخاب شدن و انتخاب کردن به زنان در این قانون اعتراض کردند. بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد گروه‌های مذهبی و جمع‌های علمایی دهها طومار و اطلاعیه اعتراضی صادر و خطاب به مراجع و مسئولان دولتی ارسال کردند.<sup>۳</sup> همچنین در میان تلگراف‌ها و اطلاعیه‌های اعتراضی جمعیت‌های علما (بیانیه‌های کثیرالامضای روحانیان) می‌توان به دهها پیام اعتراضی در این زمینه اشاره کرد.<sup>۴</sup> به این اعتراضات باید موضع‌گیری و واکنش گروه‌های مذهبی و مجامع دینی (جامعه مبلغین اسلامی تهران، طلاب سبزوار، هیئت علمیه بابل و...) را نیز افزود.<sup>۵</sup> مضامین اعتراضی در این نامه‌ها و تلگراف‌ها تقریباً یکسان است و لحن آنها طیفی از نصیحت تا انذار و هشدار و تهدید را دربرمی‌گیرد. در نتیجه این اعتراضات فراگیر و پیگیرانه، در نهایت حدود یک ماه بعد، ۷ آذر ماه ۱۳۴۱، هیئت دولت تصویب کرد که تصویب‌نامه ۱۴ مهر ماه قابل اجرا نخواهد بود و این موضوع طی تلگراف‌هایی از جانب علم به اطلاع مراجع و فقها رسید. و سه روز بعد خبر لغو قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در روزنامه‌های دولتی بازتاب یافت.

از این اتفاق به‌عنوان پیروزی بزرگ و نماد اقتدار علما و مراجع در دوره جدید حیات مرجعیت شیعه یاد می‌شد که نتیجه کنشگری جمعی آنها بود. تعداد زیادی پیام تبریک و تشکر میان مراجع، روحانیان شهرها و گروه‌های مذهبی رد و بدل شد. اما تنها سه ماه بعد با طرح اصول انقلاب سفید شاه و مردم توسط محمدرشاه پهلوی در ۲۱ دی ۱۳۴۱ مجدداً اعتراض‌ها از سر گرفته شد، چون یکی از اصول شش‌گانه آن اصلاح قانون انتخابات به منظور دادن حق رأی به زنان بود. شاه‌بیت سخنان علما این بود

۱. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات عظام و مراجع تقلید)، ج ۱ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۲۶-۵۱.

۲. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات سید محمدصادق روحانی، سید حسن طباطبایی قمی، سید محمد کاظم شریعتمداری)، ج ۵ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۱۷-۲۸.

۳. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های علمای اعلام شهرهای مختلف ایران)، ج ۲ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۱۷-۲۵.

۴. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های کثیرالامضای مربوط به جوامع روحانی)، ج ۳ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۲۱-۵۷.

۵. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های مجامع مذهبی و دینی)، ج ۴ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۱۷-۲۰.

که مراجعه به آرای عمومی در قبال احکام شرعیه بی‌مورد است و با رفراندوم نمی‌توان موضوع خلاف شرع اعطای حق رأی به زنان را قانونی کرد.<sup>۱</sup> شدیدالحن‌ترین اطلاعیه را آیت‌الله سید احمد خوانساری صادر کرد که تصریح کرده بود شرکت در این رفراندوم در حکم مبارزه با امام زمان است.<sup>۲</sup> پیرو این اطلاعیه آیت‌الله خوانساری اعلام کرد در مسجد عزیزالله بازار تهران مجلس اعتراضی دعا برگزار خواهد نمود، اما واکنش حکومت پهلوی به این اقدام خشونت‌آمیز و تند بود. پس از تعطیلی مسجد و زد و خورد با کسانی که اصرار به حضور در مسجد داشتند، مأموران ساواک اجازه ندادند آیت‌الله خوانساری از منزلشان خارج شوند و این امر منجر به برخورد فیزیکی با ایشان و شکستن دندان‌شان شد.<sup>۳</sup> برنامه‌ریزی حکومت شاه برای برگزاری این رفراندوم به صورت فوری و ضربتی بود و در کمتر از سه هفته رخ داد. در نتیجه، ابتکار عمل و فرصت بسیج سیاسی از مخالفان ستانده شد. در واقع رفراندوم ۶ بهمن در حالی برگزار شد که پس از یک دوره تنفس سیاسی در کشور، قریب به اتفاق احزاب و چهره‌های مخالف سیاسی تحت تعقیب بودند و بسیاری از اعضای شاخص جبهه ملی و نهضت آزادی دستگیر و زندانی شده بودند.

در این رفراندوم کمی بیش از ۶ میلیون نفر شرکت کردند که حدود ۵٫۶ میلیون نفر به اصول آن رأی مثبت دادند و حدود نیم میلیون نفر نیز رأی مخالف. حدود ۳۰۰ هزار نفر از زنان نیز در این رفراندوم شرکت کردند و رأی دادند؛ هرچند وزیر کشور طی مصاحبه‌ای اعلام کرده بود رأی زنان شمرده نمی‌شود.<sup>۴</sup> گویا هدف حکومت پهلوی از تعبیه صندوق‌های رأی برای زنان اقدامی نمادین بود.

بدین ترتیب، یکی از بزرگ‌ترین منازعات میان نهاد روحانیت با حکومت پهلوی و جریان‌های خواهان حقوق برابر برای زنان در بهمن ۱۳۴۱ با برخوردی تند در قبال روحانیت به سرانجام رسید و زنان پای صندوق‌های رأی حاضر شدند. چندی بعد، در شهریور ۱۳۴۲ در جریان انتخابات دوره ۲۱ مجلس شورای ملی، زنان به‌عنوان انتخاب‌شونده نیز وارد مجلس شدند (۶ نماینده زن از مجموع ۱۹۳ نماینده در این مجلس حضور داشتند).

عوارض این منازعه تا فروردین ۱۳۴۲ ادامه یافت و منجر به درگیری و برخورد خشونت‌آمیز دیگری از جانب حکومت پهلوی شد. از آن پس روند منازعه میان روحانیت و حکومت تداوم یافت تا اینکه در جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ منجر به سرکوب فراگیر معترضان شد که عموماً از اقلشار مذهبی سنتی و طرفدار روحانیت بودند. هرچند این منازعه تنها معطوف به مسائل زنان نبود و مسائلی نظیر اصلاحات

۱. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات عظام و مراجع تقلید)، ج ۱، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. عبدالله متولی، آیت‌الله سید احمد خوانساری به روایت اسناد (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۷۸-۸۳.

۴. دولتشاهی، ص ۶۸-۶۹.

ارضی و شکل‌گیری سپاه بهداشت و دانش (که از منظر روحانیت منجر به اختلاط پسران و دختران شده بود و مفسده به دنبال داشت) نیز در این بین مطرح بود، مسئله مشارکت سیاسی زنان یکی از مهم‌ترین محورهای تنش و تعارض بود.

### منازعه بر سر قانون حمایت از خانواده

در سال ۱۳۴۶ اولین قانون حمایت از خانواده در مجلسین حکومت پهلوی به تصویب رسید. در این قانون گنجاندن دو مسئله موجب بروز تنش و معارضه میان روحانیت و حکومت شد؛ نخست بحث اعطای حق درخواست طلاق به زن، دوم لزوم ازدواج دوم مرد با رضایت همسر اول. به گفته مهرانگیز دولتشاهی پیشینه تلاش برای تدوین قانون حمایت از خانواده به سال ۱۳۳۶-۱۳۳۷ بازمی‌گشت.<sup>۱</sup> تلاش‌های جمعیت راه نو که از تشکل‌های فعال در مسائل زنان در دهه ۱۳۳۰ بود، با نگاهی درازمدت و رویکرد سازگاری نسبت به قوانین اسلامی پی گرفته می‌شد. به گفته دولتشاهی، مسئولان دولتی و حتی دربار و ملکه در آن برهه به این موضوع روی خوش نشان ندادند.<sup>۲</sup> تحرکات برای تصویب این قانون در دهه ۱۳۳۰ به جایی نرسید، تا اینکه پس از ورود نماینده زن به مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم (از جمله مهرانگیز دولتشاهی) موضوع طرح حمایت از خانواده مجدداً به صورت جدی در دستور کار تشکل‌های زنان قرار گرفت و در مورد ارائه آن به مجلس اجماع حاصل شد.

بنا بر روایت مهرانگیز دولتشاهی، چون مجموعه فعالان زن نزدیک به حکومت حدس می‌زدند این طرح با واکنش احتمالی نیروهای مذهبی مواجه شود، آن را به صورت چراغ خاموش پیگیری کردند و تصمیم گرفتند در عرصه عمومی هیچ نامی از «قانون حمایت از خانواده» آورده نشود. اما یک اتفاق در آبان ۱۳۴۵ سبب بروز جنجال در این مورد شد؛ منوچهریان بدون هماهنگی با نمایندگان زن این لایحه را به سنا ارائه کرد. روایت دولتشاهی نشان می‌دهد حکومت حتی در سال ۱۳۴۶-۱۳۴۵، پس از برخورد خشونت‌بار و تندی که در جریان فراندوم انقلاب شاه و سپس قیام ۱۵ خرداد و اعتراضات سال ۱۳۴۳ با روحانیت کرده بود، همچنان از اعتراض روحانیت در مسائل زنان هراس داشت، به گونه‌ای که پس از انتشار خبر مذکور در روزنامه‌های عصر، محمدرضاشاه که از جلسه شورای اقتصاد بیرون می‌آمد بلافاصله با نخست‌وزیر هویدا تماس گرفت و به دنبال راه چاره‌ای برای پرهیز از بروز تنش شد.<sup>۳</sup> محمدرضاشاه ظاهراً از طرح حساب‌نشده این موضوع در مجلس سنا بسیار خشمگین شده و به دنبال کشف روندی بود که منجر به طرح موضوع شده است:

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۸۶.

اعلیحضرت وقتی که با شریف امامی [رئیس وقت مجلس سنا] صحبت می کردند گفتند که این چه کاری است که شده، و او در پاسخ گفته والله من دیدم ۱۵، ۱۶ تا سناتور امضا کرده اند، بعد به این سناتورها گفته بودند که چطور شد شما این را امضا کرده بودید؟ گفتند والله ما نخواندیم، گفتیم لابد این خوب است و درست است. آن وقت شاه گفته بود بلکه حکم اعدام مرا بهتان بدهند، همین طور نخوانده امضا می کنید؟<sup>۱</sup>

یکی از اسناد ساواک بیانگر این است که بلافاصله پس از طرح این موضوع، اعتراضات در شهر قم و در محافل روحانیت آغاز و از مراجع و فقهای شاخص درخواست شد مانع اجرای این طرح شوند.<sup>۲</sup> در حد فاصل آبان ۱۳۴۵ تا خرداد ۱۳۴۶ که در نهایت قانون حمایت از خانواده به تصویب مجلسین می رسد، اسناد متعددی از اعتراضات نهاد روحانیت به این طرح وجود دارد. از جمله سفر رحیم هیراد، رئیس دفتر مخصوصی شاهنشاهی، به قم برای مذاکره با مراجع (۸ آبان ۱۳۴۵)؛<sup>۳</sup> نامه اعتراضی آیت الله گلپایگانی به رئیس مجلس سنا (۲۲ آبان ۱۳۴۵)؛<sup>۴</sup> جلسه مشترک آیات گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی مرعشی برای واکنش مشترک (۱۰ اسفند ۱۳۴۵)؛<sup>۵</sup> نامه اعتراضی آیت الله العظمی محمدصادق روحانی به مجلس شورای ملی (۱۲ اسفند ۱۳۴۵)؛<sup>۶</sup> تلگرام اعتراضی آیت الله سید حسن طباطبایی قمی به نخست وزیر هویدا (۱۷ اسفند ۱۳۴۵)؛<sup>۷</sup> سخنرانی آیت الله گلپایگانی در مسجد اعظم قم و اعتراض به مفاد لایحه (۲۴ اسفند ۱۳۴۵)؛<sup>۸</sup> بازداشت آیت الله سید حسن طباطبایی قمی در مشهد پس از سخنرانی اعتراضی به طرح حمایت از خانواده و طرح موضوع نیابت سلطنت فرح پهلوی (۹ فروردین ۱۳۴۶)؛<sup>۹</sup> دستگیری و تبعید سید محمدصادق روحانی به زابل پس از سخنرانی اعتراضی به لایحه (۱۰ فروردین ۱۳۴۶)؛<sup>۱۰</sup> رایزنی مجدد آیات گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی مرعشی (۱۵ فروردین ۱۳۴۶)؛<sup>۱۱</sup> نامه اعتراضی آیت الله گلپایگانی به رؤسای مجلسین شورا و سنا (۲۶ فروردین ۱۳۴۶)؛<sup>۱۲</sup> سفر رئیس دفتر مجلس سنا به قم و دیدار با

۱. همان.

۲. حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳. همان، ص ۲۷۸.

۴. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات عظام و مراجع تقلید)، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۸۱.

۵. حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۵.

۶. همان، ص ۳۶۹-۳۷۰.

۷. اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات سید محمدصادق روحانی، سید حسن طباطبایی قمی، سید محمدکاظم شریعتمداری)، ج ۵، ص ۱۲۵.

۸. حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۲۵.

۹. همان، ص ۳۵۵.

۱۰. همان، ص ۳۵۴-۳۵۵.

۱۱. همان، ص ۳۴۱.

۱۲. همان، ص ۳۶۲.



مراجع برای بررسی مواد اختلافی لایحه (۶ اردیبهشت ۱۳۴۶).<sup>۱</sup>

دو نوبت سفر فرستاده ویژه دربار و مجلس سنا به قم و مذاکره با مراجع و تلاش برای تأمین نظر آنان نشان می‌دهد حکومت شاه قصد نداشت در این برهه تاریخی دور جدیدی از تنش با روحانیت را آغاز کند. نظرات اعتراضی مراجع در این زمینه تقریباً مؤثر بود و منجر به تعدیل برخی مواد آن شد. دولتشاهی اشاره می‌کند که «در این لایحه اسمی از تعدد زوجات نیاوردیم، برای اینکه دیدیم فعلاً زورمان نمی‌رسد که این کار را بکنیم و اگر همه سنگینی را می‌خواستیم در یک لایحه بگذاریم آن وقت نمی‌شد. گفتیم بگذاریم قدم به قدم جلو برویم.»<sup>۲</sup> قضاوت درباره اینکه مسکوت گذاشتن منع تعدد زوجات حاصل تدبیر قانونگذاران زن برای پیشبرد گام به گام موضوع بود یا نتیجه فشارهای مراجع و روحانیت، تنها با مقایسه متن طرح اولیه و قانون نهایی مصوب امکان‌پذیر است. اما چنانکه تصریح شد و شواهد تاریخی نیز گویا هستند، اعتراضات روحانیت تعدیل‌هایی در متن این قانون ایجاد کرد.<sup>۳</sup>

در نتیجه این لایحه، برای نخستین بار تمهیداتی در نظام حقوقی کشور پدید آمد که به طور ضمنی حق طلاق برای زنان را به رسمیت می‌شناخت و برای مردان در اختیار کردن همسر دوم محدودیت‌هایی (از جمله اجازه از دادگاه) ایجاد می‌کرد. هر دو این تغییرات از منظر روحانیت خلاف شرع قلمداد می‌شد، اما حکومت شاه و فعالان حقوق زن موفق شدند با تمهیداتی، بدون ایجاد تنش و تعارض بنیادی، این قانون را مصوب سازند.

### اعتراض به نیابت سلطنت فرح پهلوی

در میانه دهه ۱۳۴۰ و در شرایطی که رضا پهلوی، فرزند محمدرضا، خردسال بود، مسئله سن قانونی ولیعهد در صورت مرگ شاه به دغدغه دربار و خاندان پهلوی بدل شد. در این زمان طرح موضوع نیابت سلطنت فرح پهلوی (همسر محمدرضاشاه) موجب بروز اعتراض و مخالفت روحانیت شد. در فقرة قبلی استدلال روحانیت این بود که ولایتعهدی زنان خلاف شرع اسلام است. در مسئله نیابت سلطنت نیز چون نایب‌السلطنه مقام سیاسی و دارای ولایت و سرپرستی حساب می‌شد، طبعاً روحانیت موضع مخالف داشت. مطابق اصلاحیه اصل ۳۸ متمم قانون اساسی «در موقع انتقال سلطنت، ولیعهد وقتی می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد. اگر به این سن نرسیده باشد شهبانو مادر ولیعهد بلافاصله امور نیابت سلطنت را به عهده خواهد گرفت.»<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۳۷۱-۳۷۲.

۲. دولتشاهی، ص ۸۷.

۳. آیت‌الله گلپایگانی دو سال بعد از تصویب قانون حمایت از خانواده این انگاره را مطرح می‌کند که در طرح اولیه، منع صیغه (ازدواج موقت) نیز گنجانده شده بود که با مخالفت مراجع حذف شد (حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت استاد ساواک، ج ۲، ص ۵۹۸-۶۰۳).

۴. مدرسی، ص ۵.

طرح این موضوع در کشاکش مطرح شدن لایحه حمایت از خانواده بود که سبب واکنش فراگیر روحانیت شده بود. اما طرح نیابت سلطنت فرح پهلوی به اندازه لایحه حمایت از خانواده واکنش شدیدی در روحانیت نداشت. لاقلاً در اسناد تاریخی منتشر شده رد پای چندانی از ابراز مخالفت روحانیت دیده نمی‌شود، مگر دو موضع‌گیری نسبتاً تند از جانب آیات سید حسن طباطبایی قمی در مشهد و سید صادق روحانی در قم که موجب دستگیری و تبعید آنان شد.<sup>۱</sup> تبعید این دو موجب اعتراض مراجع شد، از جمله «تلگرافی از سوی آیت‌الله خوئی در مورد تبعید آقای روحانی برای شریعتمداری ارسال گردید.»<sup>۲</sup> آیت‌الله گلپایگانی نیز رئیس ساواک قم (سرهنک مهران) را فراخواند و برای آزادی آن دو وساطت کرد.

### غائله رژه دختران در دبیرستان حکیم نظامی قم

در سال ۱۳۴۷ ظاهراً مطابق روالی معمول در حکومت پهلوی، در برنامه‌ریزی برای سال‌روز تولد شاه در ۴ آبان، مسئولان اجرایی شهر قم، به‌ویژه عباس منطقی (رئیس اداره آموزش و پرورش قم)، تصمیم تحریک‌آمیز و نامتعارفی مبنی بر اجرای مراسم رژه دختران در دبیرستان حکیم نظامی قم می‌گیرند. از اسناد تاریخی برمی‌آید که فرمانداری موافق برگزاری این مراسم نبوده است، اما رئیس اداره آموزش و پرورش بر برگزاری رژه پافشاری می‌کند و خود تصمیم می‌گیرد این مراسم را برگزار و دعوت‌نامه ارسال کند.<sup>۳</sup> برگزاری مراسم با این کیفیت موجب نارضایتی عمیق و خشم روحانیت قم و به‌ویژه بیت آیت‌الله گلپایگانی می‌شود که حساسیت ویژه‌ای به مسئله حجاب و اختلاط دختران داشتند. آیت‌الله گلپایگانی علاوه بر آنکه در جلسه درس روز بعد در مسجد اعظم قم حاضر نمی‌شود،<sup>۴</sup> در اقدامی اعتراضی مراسم سه روز بعد به مناسبت ولادت امام حسین<sup>۵</sup> را لغو می‌کند و طی سخنرانی‌های بعدی ضمن کاربرد تعبیر فاجعه برای ماجرای رژه دختران و گریستن و ابراز تأثر و ناراحتی شدید، این کار خود را حرکتی اعتراضی به ماجرای ۴ آبان قلمداد می‌کند.<sup>۶</sup> دامنه اعتراض به این موضوع به محافل مذهبی شهر تهران نیز کشیده می‌شود و از این اقدام به‌عنوان «کندن ریشه قرآن» توسط حکومت شاه یاد می‌شود.<sup>۷</sup> به‌جز این اعتراضات، بیت آیت‌الله گلپایگانی در ماه‌های بعد هم مجموعه اقدامات اعتراضی وسیعی را با هدف برکنار کردن رئیس اداره آموزش و پرورش قم سامان می‌دهد.<sup>۸</sup> امیدواری به تغییر رئیس آموزش

۱. حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت استاد ساواک، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲. غلامرضا کرباسچی، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی (تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۲۷۸.

۳. حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت استاد ساواک، ج ۲، ص ۴۵-۴۶.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. همان، ص ۱۱.

۶. همان، ص ۹.

۷. همان، ص ۳۷-۳۸ و ۶۸-۶۹ و ۷۵-۷۸ و ۸۱-۸۴ و ۴۰۱.

۸. همان، ص ۶۸-۶۹.

و پرورش قم تا یک سال بعد ادامه می‌یابد<sup>۱</sup> و نهاد روحانیت در قم قریب به یک سال تمام توان خود را صرف تغییر رئیس اداره آموزش و پرورش قم می‌کند و طیف وسیعی از اقدامات را نیز به کار می‌گیرد، اما در نهایت حسب ظواهر توفیقی حاصل نمی‌شود. علت مقاومت در برابر این خواست روحانیت، اعمال نظر نیروهای امنیتی به‌ویژه ساواک قم است که معتقدند تن دادن به این خواسته روحانیت موجب تقویت جایگاه آنها می‌شود و به هر قیمتی باید مقابل آن ایستادگی کرد. وضعیت اقتدار روحانیت در این برهه تاریخی، در مقایسه با دو دهه قبل‌تر، به‌خوبی بیانگر تغییر توازن قدرت به نفع حکومت است.

### اعزام دختران به سپاه دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی (قانون خدمات اجتماعی)

قانون خدمات اجتماعی دومین قانونی بود که نمایندگان زن پس از ورود به مجلس شورای ملی پی گرفتند و در مجلس بیست و دوم، در تیر ۱۳۴۷، تصویب شد. در این قانون، حضور زنان در قالب سپاه دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی پیش‌بینی شده بود.<sup>۲</sup> پس از تصویب این قانون، اولین دوره دختران سپاهی که عده آنان به بیش از ۱۸۹۱ نفر می‌رسید، از تاریخ اول مهرماه ۱۳۴۷ مشغول کارآموزی در مراکز تعليماتی گردیدند و از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ به روستاهای کشور اعزام شدند.<sup>۳</sup>

مهنز افخمی، از فعالان حقوق زن نزدیک به حکومت پهلوی که در حد فاصل ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸ به مدت ۸ سال دبیر کل سازمان زنان ایران و از ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ به مدت ۳ سال وزیر مشاور در امور زنان بوده است، در خاطرات خود، رابطه سازمان زنان (تشکل رسمی زنان در حکومت پهلوی) را با سپاه دانش به این ترتیب شرح می‌دهد که سازمان زنان وظیفه داشت برنامه و محتوای آموزشی را با محورهایی شامل «نقش زن و هدف‌های مربوط به ارتقای مقام زن، نقش زن و تساوی حقوق و مسائل مربوط به قوانین»<sup>۴</sup> به دانشسرای سپاهیان ارائه دهد. تساوی حقوقی زن و مرد همان مسئله‌ای بود که روحانیت از دیرباز به آن حساسیت و اعتراض داشت. به گفته افخمی، «اصولاً وجود یک دختر جوان در اونیفورم ارتشی با کار مؤثر و مفیدی که می‌بایستی در روستای دورافتاده انجام دهد، خودش بهترین سمبل و پدیده نمادینی بود که ما دنبالش بودیم و اثر خوبی داشت.» با وجود این، طبیعی بود که این پدیده از نگاه روحانیت جامع مفاسدی نظیر بی‌حجابی زنان، اختلاط زن و مرد، قرار گرفتن زنان در مرثا و منظر عموم و ترویج مسئله ضداسلامی تساوی حقوقی زن و مرد باشد. به علاوه، از منظر سیاسی نیز، روحانیت سیاسی اعزام دختران به سپاه دانش و بهداشت و ترویج را بخشی از تبلیغات دستگاه سیاسی برای مشروع جلوه دادن

۱. همان، ص ۴۰۱.

۲. «مجلس شورای ملی. قانون خدمات اجتماعی کشور»، روزنامه رسمی ۲۷ مرداد ۱۳۴۷، دوره ۲۲، ج ۴، ۶۸۴۶ (تاریخ امضا: ۱۳۴۷/۰۴/۲۴)، شماره پرونده: ۱۵۵۸/۱۰۴.

۳. حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۵۸۹.

۴. مهنز افخمی، جامعه، دولت و جنبش زنان/ ایران ۱۳۴۲-۱۳۵۷، تدوین غلامرضا افخمی، ج ۲ (بی‌جا: بنیاد مطالعات ایران، ۲۰۰۲)، ص ۵۸-۵۹.

حکومت و تبلیغ به نفع محمدرضا شاه و خاندان پهلوی ارزیابی می‌کرد.<sup>۱</sup> از همان سال ۱۳۴۷ که قانون خدمات اجتماعی اعزام دختران به سپاه دانش، بهداشت، ترویج و آبادانی تصویب و رسماً عملیاتی می‌شود، شاهد اعتراضات مکرر مراجع تقلید و روحانیت به این مسئله هستیم. پرتناوب‌ترین اعتراضات در این زمینه مربوط به آیت‌الله گلپایگانی است. آیت‌الله خمینی، به‌جز مورد فوق، تنها در یک مورد دیگر به اعزام دختران به سپاه دانش اعتراض آشکار کرده است. آیت‌الله گلپایگانی اولین بار در ۱۱ اسفند ۱۳۴۶ طی تلگرافی خطاب به اسدالله علم (وزیر وقت دربار) و هیئت شورای سلطنتی به اعزام دختران به سپاه دانش اعتراض می‌کند.<sup>۲</sup> حکومت وقت بدون اعتنا به این اعتراضات، طرح اعزام دختران به سپاه دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی را عملیاتی می‌کند. اعزام دختران به سپاه‌های مذکور از نظر روحانیت مرادف با انحطاط مقام اجتماعی زن، توسعه فحشا و فساد و لکه‌دار کردن عفت جامعه، مبارزه با احکام قرآن و اسلام و اجرای نقشه‌های استعمار و اسرائیل قلمداد می‌شود. به‌رغم اعتراض‌ها و ابراز ناراضی‌های موردی، از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ بیش از ۱۸ دوره اعزام دختران به سپاه‌های دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی صورت می‌گیرد.

### انتخاب اولین وزیر زن

گرچه با برگزاری رفراندوم انقلاب سفید شاه و مردم، زنان موفق شدند در مقام رأی‌دهنده و منتخب در انتخابات مجالس شورای ملی شرکت کنند، حضور زنان در بالاترین منصب اجرایی تا سال ۱۳۴۷ به تعویق افتاد. در این سال فرخرو پارسا به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش انتخاب شد و اولین وزیر زن تاریخ ایران مدرن لقب گرفت. در اسناد تاریخی بیانیه یا اعتراض مشخصی در این زمینه به چشم نمی‌خورد. اما به‌طور پراکنده گزارش‌هایی از اعتراض مراجعی نظیر آیت‌الله گلپایگانی مطرح شده است.<sup>۳</sup> در همین زمان، انتخاب یک زن به‌عنوان رئیس آموزش و پرورش قم، به سبب انتخاب وزیر زن، کم‌اهمیت جلوه می‌کند.<sup>۴</sup> آیت‌الله گلپایگانی در سخنرانی‌های عمومی دیگر در همان سال و سال‌های بعد به قرار گرفتن زنان در «مصادر امور» و «رأس کارها» اعتراض می‌کند و آن را مصداق گسترش فحشا و نشانه‌های آخرالزمان می‌خواند.<sup>۵</sup> پس از فرخرو پارسا، تنها زن دیگری که موفق به تصدی جایگاه وزارت در حکومت پهلوی شد، مهناز افخمی است که در سال ۱۳۵۵ به‌عنوان وزیر مشاور در امور زنان انتخاب شد. در مورد این انتصاب نیز گزارش تاریخی مستقلی که بیانگر اعتراض شدید روحانیت باشد دیده نمی‌شود. هرچند مطابق مبانی

۱. موسوی خمینی، ص ۳۲۴.

۲. حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۵۸۵-۵۸۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۷۱-۵۷۲.

۴. همان، ص ۵۴۴.

۵. همان، ج ۳، ص ۵۰.

جریان مسلط روحانیت این انتصاب نیز خلاف شرع اسلام بوده است.

### اختلاط جنسیتی در محیط‌های آموزشی

از سال ۱۳۴۵ شاهد اعتراض‌های مکرر بیت مراجع قم، از جمله آیت‌الله گلپایگانی، به تأسیس دبیرستان و دانشسرای دختران به‌ویژه در شهر قم هستیم. اصل اعتراض در این زمینه به استفاده از استادان و معلمان و کادر اداری مرد در دانشسرای دختران و حضور همزمان محصلان دختر و پسر در دانشسرای مربوط می‌شود که شبانه‌روزی نیز بوده است.<sup>۱</sup> در مواجهه با این مسئله، روحانیت خط تبلیغی خود علیه حکومت را تشدید می‌کند، می‌کوشد مردم را از فرستادن دختران به دبیرستان‌ها و دانشسراهای مختلط منع کند و با تعابیر بسیار تندی در مورد این مدارس صحبت می‌کند. از جمله سید مهدی گلپایگانی از این مدارس با عبارت «فاحشه‌خانه»<sup>۲</sup> یاد می‌کند و آیت‌الله گلپایگانی نیز حضور همزمان دختران و پسران را در این مدارس به «داخل کردن حیوان نر و ماده در همدیگر»<sup>۳</sup> تشبیه می‌نماید. در نهایت، کار کردن مردان در دانشسرای دختران را حرام مسلم و مشابه «کار کردن مرد در حمام زنانه»<sup>۴</sup> می‌خواند. ایشان همچنین تحصیل در این مدارس را برای مقلدان خود غیرمجاز اعلام می‌کند.<sup>۵</sup>

عدم اجابت خواسته‌های روحانیت برای اصلاح این امر، مراجع قم را به سمت تأسیس دبیرستان دخترانه سوق می‌دهد. آیات شریعتمداری (دارالزهران)، گلپایگانی (مدرسه علوم دینی دختران) و خمینی (مکتب توحید) سه مدرسه اسلامی برای بانوان در قم تأسیس می‌کنند. شرایط تحصیل در این مدرسه داشتن سن بالاتر از ۱۶ سال و پوشیدن چادر مشکی ذکر شده بود.<sup>۶</sup>

در موارد متعدد دیگر، نظیر اعزام معلمان زن به دبستان‌های پسرانه<sup>۷</sup>، حضور دختران و پسران در سالن‌های امتحان به صورت مختلط و بی‌حجابی دختران در سالن‌های امتحان و استفاده از مراقبان زن در سالن‌های امتحانی که پسران حضور دارند<sup>۸</sup> شاهد اعتراض بیت آیت‌الله گلپایگانی به مسئولان دولتی هستیم.

وجه مشترک تمام نمونه‌های فوق که بازه زمانی بیش از یک دهه (از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷) را دربرمی‌گیرد، اعتراض روحانیت به عدم رعایت موازین شرعی در روابط دختر و پسر و به طور مشخص اختلاط جنسیتی و بی‌حجابی در محیط‌های آموزشی است.

۱. همان، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۷۲.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۲۰.

۵. همان، ج ۳، ص ۷۰۷-۷۰۹.

۶. همان، ص ۴۷۸-۴۷۹.

۷. همان، ج ۲، ص ۵۲۷.

۸. همان، ج ۱، ص ۶۸۴.

## سایر حیطه‌های محل نزاع

در کنار محورهای فوق که اغلب به تضادهای علنی میان جریان اصلی روحانیت و حکومت در دوره دوم انجامید، در مسائل دیگری نیز رویارویی روحانیت با کارگزاران حکومت روی داد که عمده آنها درخصوص نحوه پوشش زنان و امر حجاب است. ثابت‌قدم‌ترین معترض نهاد روحانیت در مسائل مورد اشاره، بیت آیت‌الله گلپایگانی است. در اسناد تاریخی مربوط به سایر مراجع نظیر آیات نجفی مرعشی، میلانی و خمینی کمتر وضعیت پوشش زنان و اختلاط جنسیتی به صورت جزئی و موردی محل پیگیری و اقدام شخص مرجع تقلید است.<sup>۱</sup>

## جمع‌بندی دوره دوم

دوره دوم با تنش سیاسی همه‌جانبه میان روحانیت و حکومت بر سر مسئله حق مشارکت سیاسی زنان آغاز می‌شود. حکومت در حد فاصل آبان تا دی ۱۳۴۱ به صورت مقطعی چند ماه عقب‌نشینی می‌کند، اما بلافاصله سیاستی انقباضی در مقابل مخالفان در پیش می‌گیرد و هم با روحانیت و هم با سایر نیروهای سیاسی که در حد فاصل سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ امکان فعالیت پیدا کرده بودند برخورد تندی می‌کند. گرچه پویایی‌هایی درون جامعه برای خواست مشارکت سیاسی زنان از عصر مشروطه وجود داشت، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن زنان برای مناصب سیاسی و اداری با برخورد آمرانه حکومت به جامعه «عطا» شد. از این زمان شاهد رویارویی علنی روحانیت و حکومت و تشدید منازعه و تنش بر سر مسائل کلان و جزئی مربوط به زنان هستیم. مسئله کلان و مهمی نظیر لایحه حمایت از خانواده با رویکرد چراغ‌خاموش و رفتار مدبرانه نمایندگان زن مجلس شورای ملی تا حدی قرین به توفیق شد و نظرات روحانیت نیز به شکل نسبی در نسخه نهایی و مصوب این قانون تأمین گشت. اما تنش‌های دنباله‌دار و فرساینده بر سر مسائل مربوط به پوشش زنان، اختلاط جنسیتی و حضور اجتماعی دختران در تمام دوره پانزده ساله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ تداوم یافت. در این موارد که نسبت به مسائل قبلی جزئی‌تر هستند، واریسی مجموعه کنش و واکنش‌های میان روحانیت و مقامات دولتی بیانگر آن است که در غالب موارد، حکومت به خواسته‌های روحانیت در این برهه توجه ویژه‌ای نکرده و ضمن مماشات و پرهیز از بالا بردن سطح تنش، با بی‌اعتنایی تلویحی، سیاست‌های هنجاری و فرهنگی خود را پیش برده است. موارد معدودی است که اعتراض روحانیت در مسائل مربوط به زنان منجر به تحرک و اقدام دستگاه‌های دولتی شده باشد. در مقابل این رویه، روحانیت نیز طیفی از اقدامات را به کار می‌گیرد؛ شامل احضار مقامات دولتی

۱. همان، ص ۹۰-۹۱ و ۱۲۰-۱۲۲ و ۶۴۰-۶۴۱ ج ۲، ص ۶۷۶ ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۹۳ و ۵۰۴ و ۵۳۳ و ۶۱۷.

و اعتراض خصوصی، طرح علنی مسائل در منابر و مجالس درس و وعظ و خطابه، تبلیغ علیه حکومت و مشروعیت‌زدایی، ترغیب عمومی افراد جامعه به مقاومت مدنی و عدم پیروی از سیاست‌های فرهنگی حکومت (نفرستادن دختران به مدارس مختلط، عدم حضور در سینما و کافه‌ها و...) و همچنین اقدام‌های عملی نظیر تأسیس مدارس موازی اسلامی، برخورد عملی با دختران بدحجاب و... نتیجه این مواجهه پرتنش این بود که رویه‌ها و حائل‌های تعاملی میان روحانیت و حکومت فروریخت و منجر به شکندگی هر دو طرف شد. حکومت در این برهه با مشروعیت‌زدایی روزافزون و همه‌جانبه روحانیت و اقصای مذهبی پیرو روحانیت و مقاومت مدنی منفی آنها مواجه شد. در مقابل، کارگزاران حکومتی نیز تمامی ابزارهای ممکن را به کار گرفتند؛ از حذف و محدودسازی گرفته تا برخورد خشونت‌آمیز، دستگیری، تبعید، تشدید تبلیغ علیه روحانیت و متهم کردن آن به ارتجاع در افکار عمومی جامعه و جهان، کاستن از دایره تصرف سیاسی و اقتصادی روحانیت از طریق موازی‌سازی در نهادهای مذهبی و اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه نظیر اعزام طلاب به سربازی و... پایان بخش این منازعه هفده ساله انقلاب ۱۳۵۷ و فروپاشی حکومت پهلوی بود که روحانیت را در جایگاه حکومت قرار داد. جدول زیر شمایی کلی از ابعاد مختلف بروز تنش میان روحانیت و حکومت را بر سر مسائل زنان در دوره دوم پژوهش به دست می‌دهد.

## جدول ۲. جمع‌بندی مواضع و کنش‌های روحانیت در دوره دوم

اهم حوزه‌های تنش	قلمرو بروز	نتیجه	نحوه بروز تنش	سطح و دامنه تنش
اعطای حق رأی به زنان (لایحه انجمن‌ها)	سیاسی	تحقق خواست روحانیت	اعلامیه، طومار اعتراضی، رایزنی با مقامات، اعتراض در منابر	گسترده
اعطای حق رأی به زنان (انقلاب سفید)	سیاسی	عدم تحقق خواست روحانیت	اعلامیه، طومار اعتراضی، اعتراض در منابر، تجمع، برخورد فیزیکی	گسترده
منازعه بر سر قانون حمایت از خانواده	اجتماعی- فرهنگی	مصالحه طرفین	رایزنی با مقامات، اعتراض در منابر، اعلامیه	گسترده
اعتراض به نیابت سلطنت فرح پهلوی	اجتماعی- فرهنگی	عدم تحقق خواست روحانیت	اعتراض در منابر	خیلی محدود
غائله رژه دختران در دبیرستان حکیم نظامی قم	اجتماعی- فرهنگی	عدم تحقق خواست روحانیت	رایزنی با مقامات، اعتراض در منابر، برخورد فیزیکی	خیلی محدود

سطح و دامنه تنش	نحوه بروز تنش	نتیجه	قلمرو بروز	اهم حوزه‌های تنش
محدود	رایزنی با مقامات، اعتراض در منابر	عدم تحقق خواست روحانیت	اجتماعی فرهنگی	اعزام دختران به سپاه دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی
محدود	اعتراض در منابر	عدم تحقق خواست روحانیت	سیاسی	انتخاب اولین وزیر زن
محدود	رایزنی با مقامات، اعتراض در منابر، اقدام ایجابی (تأسیس مدارس موازی)	عدم تحقق خواست روحانیت	اجتماعی فرهنگی	اختلاط جنسیتی در محیط‌های آموزشی

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش ذیل دو دوره‌بندی تاریخی به بررسی مهم‌ترین مسائل زنان در عصر پهلوی دوم پرداختیم که در سه‌ضلعی حکومت-روحانیت-جامعه محل بروز کشمکش یا مصالحه و وفاق بوده است. برخی از این موضوعات، از جمله تصدی مناصب عالی‌تر سیاسی توسط زنان و کنترل پوشش و بدن زنان، به مسائلی مزمن و دامنه‌دار تبدیل شدند و در اغلب موارد حکومت، جامعه و روحانیت بر سر آنها به توافق نرسیدند و میان آنان مصالحه‌ای پایدار صورت نگرفت. پس از فروپاشی حکومت پهلوی نیز، به‌رغم شکل‌گیری حکومت فقهی، هر از گاهی شاهد طرح مجدد این مسائل بوده‌ایم که هر بار پس از یک دوره کشاکش به محاق می‌روند تا در نوبت بعدی مجدداً به صحن جامعه و عرصه عمومی بازگردند. با این حال، مسائلی نیز بوده‌اند که به نفع عرف و خواسته جامعه راهکاری عملیاتی برای آنها پیدا شده و نهاد روحانیت نیز کوشیده است سازگاری نسبی با آنها نشان دهد. چنانکه در نمودار زیر ترسیم شده است، در سه‌ضلعی جامعه حکومت روحانیت می‌توانیم سه وضعیت ممکن را در نظر بگیریم:

وضعیت ۱. عدم تحقق خواسته روحانیت حوزوی (جریان اصلی نهاد روحانیت)

وضعیت ۲. مصالحه طرفین (جامعه و نهاد روحانیت) و تعدیل دوسویه مطالبات

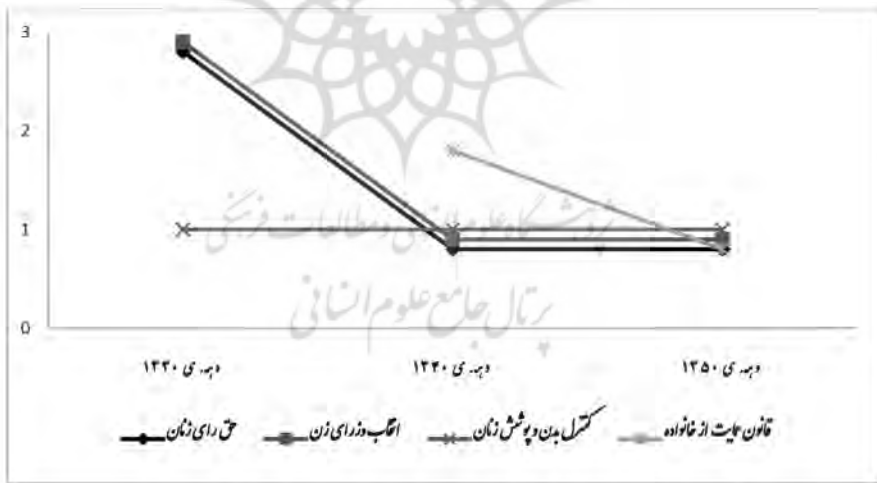
وضعیت ۳. تحقق خواسته روحانیت حوزوی با اعمال اقتدار حداکثری بر حکومت و جامعه

تفصیل این روند در مورد چهار مسئله‌ای که در نمودار به نمایش درآمده به این ترتیب است: در مسئله اعطای حق رأی به زنان شاهد مقاومت روحانیت در ابتدای دهه ۳۰ و ۴۰ هستیم که در نهایت پس از کشمکش‌های بسیار بر سر این موضوع، حکومت پهلوی دوم با روند اعمال اقتدار آمرانه، حق رأی زنان را تحکیم می‌کند (وضعیت ۱ در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰).



در مسئله قانون حمایت از خانواده، در نتیجه مشورت حکومت با برخی علمای مورد وثوق خود (از جمله شریعت سنگلجی)، در دهه ۱۳۴۰ تلاش می‌شود این قانون به شکلی تنظیم گردد که با مخالفت بنیادی نهاد روحانیت مواجه نشود (وضعیت ۲. مصالحه طرفین). البته این قانون در سال ۱۳۵۳ بازنویسی می‌شود که نتیجه آن فاصله گرفتن از مصالحه است (وضعیت ۱).

در مسئله کنترل پوشش (حجاب اجباری) زنان، پس از قانون کشف حجاب که حکومت درجات بالایی از اقتدار آمرانه را به کار می‌گیرد، روحانیت بدون آنکه اقناع شود، تن به وضعیت جاری می‌دهد (وضعیت ۱). چنانکه ملاحظه می‌شود، در حکومت پهلوی دوم با گذار از دهه ۱۳۲۰ به دهه ۱۳۵۰ شاهد روند روزافزون تنش و تعارض میان نهاد روحانیت و حکومت در مسائل مربوط به زنان هستیم. در هر چهار مسئله‌ای که در طی این سه و نیم دهه در حکومت پهلوی کمابیش جریان داشتند، حرکت از وضعیت تحقق خواسته روحانیت یا مصالحه به سمت عدم تحقق خواسته روحانیت پیش رفت، به گونه‌ای که در میانه دهه ۱۳۵۰ هیچ مسئله مهمی در حوزه زنان نبود که در آن حکومت امکان تحقق خواسته روحانیت را فراهم آورد و راهکاری میانه برای آن در نظر گیرد. سیاست کلی در این زمان به حاشیه راندن نهاد روحانیت در مسائل زنان است که با اعمال اقتدار یک‌سویه حکومت اجرا می‌شود.



نمودار ۱. توانایی روحانیت در اعمال اقتدار بر جامعه و حکومت در مسائل زنان (بالا و پایین بودن جزئی خطوط برای امکان نمایش آنهاست و بیانگر تفاوت واقعی اعداد نیست).

یکی دیگر از عوامل این عدم توازن مستمر، به جز تحول سازمان درونی نهاد روحانیت که پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی روی داد، تغییر راهبرد و سیاستگذاری حکومت پهلوی در تعامل با نهاد واسط

روحانیت بود. این دو عامل را می‌توان به شکل زیر تشریح کرد:

۱. با درگذشت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ مرجعیت عامه شیعه به سمت تعدد مرجعیت رفت و بیش از ده مرجع تقلید در ایران و عراق به‌عنوان مراجع مورد رجوع و تقلید اجتماع دینداران معرفی شدند. این امر علاوه بر آنکه منجر به عدم تمرکز در اقتدار مرجعیت و پراکندگی و توزیع قدرت نهاد روحانیت شد، سبب رقابت‌ها و اصطکاک‌های درونی مراجع و مقلدان آنها و به‌ویژه سربرآوردن روحانیتی شد که به تبعیت از آیت‌الله خمینی بیش از پیش سیاسی و فعال‌گرا گشت. نتیجه این تغییرات تضعیف اقتدار نهاد روحانیت در تعامل با حکومت و تحلیل رفتن توان آن در اعمال خواسته‌ها و مطالبات خود در مسائل مختلف از جمله در مسائل زنان بود.

۲. با تثبیت اقتدار محمدرضاشاه، به‌ویژه از میانه دهه ۱۳۳۰ (چندی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)، این حکومت از مشروعیت‌بخشی روحانیت بیش از پیش احساس بی‌نیازی کرد و به‌ویژه در تعامل با فضای جهانی و در جهت اجرای اصلاحات اجتماعی که تصور می‌شد منجر به بازسازی پایگاه حکومت شود، راهبرد محدودکننده‌ای در قبال اقتدار روحانیت به کار گرفت و به خواسته‌ها و فشارهای روحانیت بی‌اعتنایی و کم‌توجهی کرد. سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی حکومت پهلوی برای کاهش اقتدار نهادهای سنتی، از جمله نهاد روحانیت، در جهت تقویت نوسازی و اقتدار حکومت مزید بر علت شد و بر سطوح تنش و تعارض میان حکومت و نهاد روحانیت افزود، تا جایی که مسئله زنان در کنار مسائل فرهنگی و اجتماعی دیگر به ابژه‌ای برای نمایش اقتدار حکومت بدل شد.

حکومت پهلوی در میانه دهه ۱۳۵۰ موفق شد مخالفان خود در نهاد روحانیت را به حاشیه براند و سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی خود را عملیاتی سازد، اما در عمل، تضعیف روزافزون مشروعیت حکومت و فرسایش پایگاه اجتماعی آن نزد جامعه دینداران و نیز سوق دادن روحانیت، به‌عنوان یکی از گروه‌های واجد نفوذ و پایگاه اجتماعی، به سمت بسیج سیاسی علیه حکومت، زمینه تسریع فروپاشی حکومت را فراهم آورد.

با روی کار آمدن حکومت فقهی پس از انقلاب ۱۳۵۷، سیاست‌گذاری فرهنگی یکپارچه‌تری میان حکومت و نهاد روحانیت در مسائل زنان شکل گرفت که از جهات بسیاری با جهت‌گیری حکومت پهلوی متفاوت بود. در روند سیاست‌گذاری و بازبینی نظام قانونی کشور در دوران جمهوری اسلامی، قریب به اتفاق دستاوردهایی که در دوره حکومت پهلوی به شکل آمرانه و غیرمجاب‌آمیز در کشاکش با نیروهای اجتماعی ذی‌نفوذ، از جمله روحانیت، کسب شده بود به حاشیه رانده شد. اعمال حجاب اجباری

و کنترل بر بدن و پوشش زنان، لغو قانون حمایت از خانواده در ماه آغازین پیروزی انقلاب، جلوگیری از تصدی مناصب سیاسی عالی نظیر ریاست جمهوری، نخست‌وزیری، وزارت و استانداری توسط زنان، قواعد سخت‌گیرانه برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد و... نمونه‌هایی از سیاست‌گذاری‌های حکومت فقهی پساانقلابی است که سبب به حاشیه راندن تغییرات اجتماعی ماقبل انقلاب در جایگاه زنان شد. آموزه برآمده از این تحولات این است که نوسازی جامعه به شکل آمرانه و بالا به پایین و بدون ائتلاف با نیروهای اجتماعی سنتی ذی‌نفوذ شکننده و همواره با خطر برگشت‌گرایی مواجه است. تجربه حکومت پهلوی مؤید این است که تنش و تعارض میان حکومت و گروه‌های سازمان‌یافته درون جامعه به فرسایش و تضعیف دوسویه می‌انجامد؛ از یک سو مشروعیت و پایگاه اجتماعی حکومت تضعیف می‌شود و از سوی دیگر، اقتدار و ابزارهای تأثیرگذاری نیروهای سازمان‌یافته اجتماعی با تحلیل و تحدید مواجه می‌گردد.

## کتابنامه

- آفاری، زانت. انجمن‌های نیمه‌سری زنان در عصر مشروطه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: بانو، ۱۳۷۷.
- اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات عظام و مراجع تقلید)، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های علمای اعلام شهرهای مختلف ایران)، ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های کثیرالامضای مربوط به جوامع روحانی)، ج ۳، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های مجامع مذهبی و دینی)، ج ۴، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- اسناد انقلاب اسلامی (اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، تلگراف‌ها و نامه‌های آیات سید محمدصادق روحانی، سید حسن طباطبایی قمی، سید محمدکاظم شریعتمداری)، ج ۵، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- افخمی، مهناز. جامعه، دولت و جنبش زنان ایران ۱۳۴۲-۱۳۵۷، تدوین غلامرضا افخمی، ج ۲، بی‌جا: بنیاد مطالعات ایران، ۲۰۰۲.
- توانا، مرادعلی. «زمینه‌ها و عوامل فرهنگی، سیاسی و تاریخی گسترش بدحجابی در تاریخ معاصر ایران»، حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، تدوین ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱-۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵.

حقیقت‌جو، علی. بهائیت و رژیم پهلوی، بهائیت آن‌گونه که هست، تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم، ۱۳۸۷. دولتشاهی، مهرانگیز. جامعه، دولت و جنبش زنان ایران ۱۳۳۰-۱۳۵۷، تدوین غلامرضا افخمی، مریلند: انتشارات بنیاد مطالعات ایران، ۲۰۰۲.

رمضان نرگسی، رضا. «بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی دوم تا پایان جنگ تحمیلی»، حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، تدوین ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

رنجبر عمرانی، حمیرا. «تغییر ماهیت جمعیت‌های زنان، از آغاز تا سازمان زنان»، تاریخ معاصر ایران، ش ۳۳، بهار ۱۳۸۴. روح‌بخش، رحیم. آیت‌الله العظمی بروجردی به روایت اسناد، تهران: نشر مورخ، ۱۳۹۷.

رهبری، مهدی. «انقلاب مشروطه و رویارویی ایرانیان با چهره ژانوسی تجدد»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۱، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱-۱۷۳.

سائلی کرده، مجید. سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸. ساناساریان، الیز. جنبش حقوق زنان در ایران طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران، ۱۳۸۴.

صادقی، فاطمه. جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران دوره پهلوی اول، تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. فخر دوران: نکوداشت استاد اعظم و زعیم بزرگ جهان اسلام مرحوم آیت‌الله بروجردی اعلی‌الله مقامه، تدوین محسن اکبری، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱. علاء، فریدون. «گفت‌وگوی تاریخ ایرانی با فریدون علاء، فرزند نخست‌وزیر اسبق ایران»، تاریخ ایرانی، ۲۵ دی ۱۳۹۰. [اتخاذ: ۲۷ شهریور ۱۳۹۹].

«فرخ‌رو پارسای»، حوراء، ش ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵.

کر باسچی، غلامرضا. هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸. کوهستانی‌نژاد، مسعود. چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه‌ی اول قرن بیستم اتحادیه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌های مذهبی، سیاسی، ج ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.

متولی، عبدالله. آیت‌الله سید احمد خوانساری به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳. «مجلس شورای ملی. قانون خدمات اجتماعی کشور»، روزنامه رسمی ۲۷ مرداد ۱۳۴۷، دوره ۲۲، ج ۴، ۶۸۴۶ (تاریخ امضا: ۱۳۴۷/۰۴/۲۴)، شماره پرونده: ۱۵۵۸/۱۰۴.

«مصاحبه با آیت‌الله شیخ علی صافی گلپایگانی» حوزه، ش ۴۳-۴۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰. مدرسی، محمد. آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران: سومین مجلس مؤسسان ۲۸ مرداد ۱۳۴۶-۱۹ شهریور ۱۳۴۶، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.

مسعودی، فاطمه. آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران: اولین مجلس مؤسسان ۱۵ آذر ۱۳۰۴-۲۲ آذر ۱۳۰۴، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.

مسعودی، فاطمه. آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران: دومین مجلس مؤسسان اول اردیبهشت ۱۳۳۸-۲۰

- اردیبهشت ۱۳۲۸، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۷، ج ۱۷، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس.  
منظورالاجداد، محمدحسین. مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، تهران: شیرازه، ۱۳۷۹.
- موسوی خمینی، [آیت‌الله] سید روح‌الله. صحیفه امام، ج ۲ و ۱۶ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- میرهادی، منیرالسادات. تأثیر مدارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران، تهران: کویر، ۱۳۹۳.
- نوری، هادی، صدیقه مسیب‌نیا فحبی. حقوق شهروندی زنان در ایران بین دو انقلاب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب  
پارسه، ۱۳۹۶.
- بین، رابرت کی. موردپژوهی در تحقیقات اجتماعی، مترجم هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی